

مناجات مطرا

جایگاه دعا در باورداشت محدودیت

جلد دوم



سرشناسه: بنی هاشمی، محمد، ۱۳۳۹
عنوان و پدیدآور: مناجات منتظران / سید محمد بنی هاشمی
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.
شابک: ۱-۰۶۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت.
موضوع: مهدویت، انتظار.
موضوع: دعاهای امام زمان (عج).
رده بندی کنگره: ۸ م ۹ ب / ۴ / ۲۲۴ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۹۷۶۳

شابک ۱-۰۶۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 1 - 539 - 964 - 978 ISBN

مناجات منتظران

مؤلف: دکتر سید محمد بنی هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

حروفچینی: شبیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۸۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: پدیده گوتنبرگ / صحافی: دیدآور

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آیسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۵۶/۲ تلفن: ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) همراه ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وبسایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر نیک معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵

نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * نمایشگاه کتاب اعراف، ۲۲۲۰۸۵۲۹ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

دوره دو جلدی ۷۰۰۰ تومان

<https://entezarschool.ir>



@entezar_school

فهرست جلد دوم

| فصل ۱ - | ۲۳۵ |
|--|-----|
| انگیزه‌های دعا برای دیگری | ۲۳۵ |
| ۱- دعای شفقت و رحمت برای امام زمان <small>علیه السلام</small> | ۲۳۷ |
| ۲- دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small> به خاطر تلافی کردن احسان ایشان | ۲۴۲ |
| ۳- دعادر حق امام عصر <small>علیه السلام</small> از روی امید به احسان ایشان | ۲۴۷ |
| ۴- دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> به انگیزه‌ی تعظیم و تجلیل ایشان | ۲۴۹ |
| ۵- دعادر حق ولی عصر <small>علیه السلام</small> در پاسخ به التماس دعای ایشان | ۲۵۱ |
| برخی مضامین دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small> | ۲۵۳ |
| ۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان <small>علیه السلام</small> | ۲۵۳ |
| ۲- دعادر جهت حفظ امام <small>علیه السلام</small> | ۲۵۳ |
| ۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام <small>علیه السلام</small> | ۲۵۴ |
| ۴- دعا برای شادی امام <small>علیه السلام</small> به خاطر رعیتش | ۲۵۵ |
| ۵- دعا برای تعجیل فرج امام <small>علیه السلام</small> | ۲۵۶ |



فصل ۲-

۲۵۷
 الف- رفع بلاى غيبت به وسيله‌ى دعا ۲۵۷
 تذکر به بلا و مصيبت غيبت ۲۵۷
 احساس نیاز به دعا برای تعجيل فرج ۲۵۸
 سستی نکردن در مورد این دعا ۲۵۹
 اطمینان به نزدیک شدن ظهور ۲۶۰
 يقين به اجابت دعای تعجيل فرج ۲۶۱
 تأثیر اعتقاد به خدایى بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن ۲۶۲
 ب- امثال امر امام علیه السلام به اکتثار دعا ۲۶۳
 معنای دقیق عبارت توقيح امام علیه السلام ۲۶۴
 ضرورت اهتمام به امثال امر امام علیه السلام ۲۶۵

فصل ۳-

۲۶۷
 الف- فوائد دعاهاى ما برای امام عصر علیه السلام ۲۶۷
 عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهاى ما ۲۶۷
 فايده بخش بودن دعای مادر حق امام علیه السلام به برکت خود ایشان ۲۶۸
 فايده‌ى اول: رفع و دفع بلايا از امام عصر علیه السلام به دعای ما ۲۷۲
 فايده‌ى دوم: بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما ۲۷۴
 فايده‌ى سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما ۲۷۵
 مشروط بودن تعجيل فرج به انجام عمل بنی اسرائیل ۲۷۶
 گریه و ضجّه بنی اسرائیل برای تعجيل فرج ۲۸۰
 وجدان عذاب بودن غيبت امام عصر علیه السلام ۲۸۱
 حال گریه و ضجّه: نشانه‌ى عمق معرفت امام زمان علیه السلام ۲۸۳
 لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غيبت ۲۸۵
 آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟ ۲۸۷
 تعجيل فرج یا تعجيل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟ ۲۸۸
 لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی ۲۹۲
 تقاضای سطح بالا در دعای توقيح امام علیه السلام ۲۹۴



فهرست مطالب * پنج

| | |
|-----|---|
| ۲۹۵ | نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۲۹۷ | ب- آثار دعا در حقّ ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعاکننده |
| ۲۹۷ | ۱۰۲ فایده‌ی دعا در حقّ امام زمان <small>علیه السلام</small> برای دعاکننده |
| ۲۹۹ | فرج دعاکننده به سبب دعا و احسان امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۳۰۲ | فرج دعاکننده به خاطر یاری کردن امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۳۰۴ | فرج دعاکننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت |
| ۳۰۶ | اکتار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعاکننده |
| ۳۱۱ | حصول تقوی: فرج دیگری برای دعاکننده |

فصل ۹-

| | |
|-----|---|
| ۳۱۳ | ۱- یأس کامل از خلق |
| ۳۱۳ | ۲- اقبال قلبی در دعا |
| ۳۱۶ | اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۳۱۷ | برای دعاکننده |
| | دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا |
| ۳۱۸ | در تعجیل فرج امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۳۲۰ | ۳- رقت قلب |
| ۳۲۰ | مواقع پیدایش رقت قلب در انسان |
| ۳۲۲ | استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج |
| ۳۲۴ | ۴- تحصیل تقوی و تهذیب نفس |
| ۳۲۵ | پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حقّ امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۳۲۸ | ۵- بر عهده نداشتن حقّ الناس |
| ۳۳۱ | ۶- معرفت به امام عصر <small>علیه السلام</small> و شکر نعمت و جود ایشان |
| ۳۳۲ | ۷- الحاح و اصرار و دوری از سستی |
| ۳۳۳ | عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا |
| ۳۳۴ | نمودهای مختلف اصرار در دعا |
| ۳۳۶ | توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در دعای عبرات |
| ۳۴۱ | ۸- بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهاج |



| | |
|-----|--|
| ۳۴۲ | زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا |
| ۳۴۳ | چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع |
| ۳۴۵ | بکاء و ابتهاال امام عصر <small>علیه السلام</small> در دعای عبرات |
| ۳۴۸ | ۹- دعادر حالات مختلفی که وعدهی اجابتش داده شده |
| ۳۵۴ | ۱۰- نیابت از زندگان و مردگان |

فصل ۵-

| | |
|-----|---|
| ۳۵۷ | الف- دعاهای غیر مأثور |
| ۳۵۷ | مقایسهی دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن |
| ۳۵۹ | ب- دعاهای مأثور |
| ۳۶۱ | برتری دعاهای مأثور بر غیر مأثور |
| ۳۶۱ | اهتمام ائمه‌ی طاهرین <small>علیهم السلام</small> به دعادر حق امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۳۶۳ | دعای امام عصر <small>علیه السلام</small> برای تعجیل فرج خویش |
| ۳۶۵ | دعای ارواح پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small> در حق امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۳۶۸ | ۱- دعادر قنوت نماز |
| ۳۷۱ | دعادر قنوت نماز وتر |
| ۳۷۲ | دعای قنوت نماز جمعه |
| ۳۷۳ | ۲- دعادر حال سجده |
| ۳۷۴ | ۳- دعادر تعقیب نماز |
| ۳۷۵ | تعقیب اول برای نماز واجب |
| ۳۷۷ | تعقیب دوم برای نماز واجب |
| ۳۷۸ | تعقیب سوم در نمازهای واجب |
| ۳۸۱ | تجدید عهد با امام عصر <small>علیه السلام</small> بعد از نماز واجب |
| ۳۸۱ | تعقیب نماز ظهر |
| ۳۸۳ | تعقیب نماز عصر |
| ۳۸۶ | تعقیب نماز صبح و ظهر |
| ۳۹۲ | تعقیب دو رکعت اول نماز شب |
| ۳۹۳ | ۴- دعادر زمان‌های مناسب |
| ۳۹۴ | |



فهرست مطالب * هفت

| | |
|-----|---|
| ۳۹۴ | دعا در صبح و شام |
| ۳۹۶ | پیدا کردن فرصت برای دعا |
| ۳۹۷ | دعای عهد روزانه |
| ۳۹۸ | دعا در شب و روز جمعه |
| ۴۰۴ | دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه |
| ۴۰۹ | دعا در روز عید غدیر |
| ۴۱۳ | دعای ندبه در عید غدیر |
| ۴۱۵ | دعا در عید فطر و قربان |
| ۴۱۶ | عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان |
| ۴۱۸ | دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید |
| ۴۲۰ | دعا در روز عرفه |
| ۴۲۴ | دعا در ماه مبارک رمضان |
| ۴۳۱ | دعا در شب و روز نیمه‌ی شعبان |
| ۴۳۳ | دعای روز دحو الارض |
| ۴۳۴ | دعا در روز عاشورا |
| ۴۳۵ | خداوند: طالب خون حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۴۳۶ | امام عصر <small>علیه السلام</small> : خونخواه ابی عبدالله الحسین <small>علیه السلام</small> |
| ۴۳۷ | مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۴۳۹ | بهترین عمل در روز عاشورا |
| ۴۴۵ | ۵- دعا در مکان‌های مناسب |
| ۴۴۵ | دعا در مسجد الحرام |
| ۴۴۷ | دعا در سرزمین عرفات |
| ۴۵۱ | دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب |
| ۴۵۷ | دعا در حرم مطهر رضوی |
| ۴۵۸ | دعا در زیر قبه‌ی سید الشهداء <small>علیه السلام</small> |
| ۴۶۱ | دعا در مشاهد مشرفه |
| ۴۶۲ | دعا در مساجد کوفه، سهله و ... |
| ۴۶۴ | ۶- دعاهای غیر مقید به زمان یا مکان خاص |



| | |
|-----|--|
| ۴۶۴ | ذکر صلوات بر حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> |
| ۴۶۵ | دعای امام رضا <small>علیه السلام</small> در حق حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> |
| ۴۶۶ | صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی |
| ۴۷۱ | ۷- دعای عهد با امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ۴۷۵ | ۱- دعای عبرات |
| ۴۸۱ | ۲- دعای قنوت امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۴۸۲ | ۳- دعای دیگر امام عصر <small>علیه السلام</small> در قنوت |
| ۴۸۴ | ۴- دعای قنوت نماز وتر |
| ۴۸۵ | ۵- دعای صبح و شام |
| ۴۸۶ | ۶- دعای «اللهم عَرِّفْنِي نَفْسِكَ ...» |
| ۴۹۰ | ۷- دعای عید غدیر |
| ۴۹۶ | ۸- دعای عید فطر، قربان و جمعه |
| ۴۹۷ | ۹- دعای عید فطر |
| ۴۹۹ | ۱۰- دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان |
| ۵۰۰ | ۱۱- دعای شب بیست و سوم ماه رمضان |
| ۵۰۱ | ۱۲- دعا در روز عاشورا |
| ۵۰۴ | ۱۳- دعای دیگر در روز عاشورا |
| ۵۰۸ | ۱۴- دعای امام رضا <small>علیه السلام</small> |
| ۵۱۳ | فهرست منابع |
| ۵۱۷ | دیگر آثار مؤلف |



بخش دوم

پس از بیان کلیّاتی درباره‌ی دعا (جایگاه اعتقادی
-آثار و نتایج- اجابت و کیفیت آن) و نیز عدم منافات آن با
رضا به قضای الهی اکنون در بخش دوم کتاب
می‌خواهیم در خصوص دعا برای وجود مقدّس امام
زمان علیه السلام مباحثی را طرح کنیم. البتّه هدف اصلی کتاب
همین موضوع بوده است و آنچه در بخش اول گذشت
نیز به همین بهانه طرح گردید.



فصل اول

اولین بحثی که درباره‌ی دعا در حقّ امام زمان علیه السلام مطرح می‌شود، انگیزه‌های این دعاست. ابتدا انگیزه‌های مختلفی که برای دعا در حقّ دیگری وجود دارد را معرفی می‌کنیم و سپس یک یک آنها را در مورد مولای از یادرفته‌مان تطبیق می‌دهیم.^۱ به طور معمول دعای انسان در حقّ دیگری انگیزه می‌تواند داشته باشد:

انگیزه‌های دعا برای دیگری

۱ - شفقت و رحمت: دعا از روی دلسوزی و ترحمّ مثل دعای پدر و مادر در حقّ فرزند و دعای برادر در حقّ برادر می‌باشد. همچنین است دعای فرشتگان برای زائران قبر سیدالشهداء علیه السلام.

۲ - تلافی کردن احسان: دعا برای کسی که به انسان نیکی نموده یا یک بدی را از او دفع کرده، از این قبیل است. همچنین دعای شاگرد در حقّ معلّم و امثال آن. به طور کلی وقتی کسی به انسان احسانی می‌کند، یکی از مراتب شکرگزاری از آن احسان کننده، دعای خیر در حقّ او است. نیز اگر کسی انسان را از یک گرفتاری نجات دهد یا از

۱. در این قسمت از مطالبی که در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام» آمده کمال استفاده را می‌نماییم، ج ۱، ص ۴۴۹ تا ۴۵۱.



رسیدن شری به او جلوگیری نماید، آن فرد عاقل فطرتاً خود را مدیون او دانسته و برایش دعا می‌کند. معلّم هم چون به شاگردانش احسان کرده، آنها برای تلافی کردن خیر او برایش دعا می‌نمایند.

۳- چشم دوختن به احسان: گاهی انسان به امید اینکه خیری از دیگری به او برسد، برایش دعا می‌کند. انگیزه‌ی دوم این بود که احسانی صورت گرفته و انسان برای تلافی آن برای احسان کننده دعا می‌کند، ولی سومی این است که هنوز احسانی صورت نگرفته و دعا به انگیزه‌ی چشم دوختن به احسان دیگری است. مثال این قسم دعایی است که فقرا و مستمندان برای جلب کمک دیگران در حقّ آنان می‌کنند. گاهی فقیر وقتی می‌خواهد کسی را به صدقه دادن تحریک و ترغیب نماید، درباره‌ی او دعاهای خیر می‌کند، مثلاً «خدا خیرت بدهد، خدا سایه‌ات را از سر خانواده‌ات کم نکند، خدا عمرت بدهد و ...» اینها دعاهای رجا است، یعنی چون امید دارد که به او احسانی شود، چنین دعاهایی می‌کند. اگر امید نداشت، دعا هم نمی‌کرد. این دعاها را می‌کند تا مورد ترحم کسی که در حقّش دعا کرده، قرار بگیرد.

۴- بزرگداشت و اظهار تواضع: دعایی که در حقّ بزرگان و اشراف و علمای بزرگ می‌شود، می‌تواند به این انگیزه باشد. خود دعا کردن در این موارد مصداق تعظیم و بزرگداشت کسانی است که در حقّشان دعا می‌شود. حتّی در مواردی که چنین بزرگداشتی توقع می‌رود، کوتاهی کردن در دعا می‌تواند موجب هتک حرمت و توهین به آن بزرگان شود. به عنوان مثال در مجلسی که برخی از علمای بزرگ حاضر هستند، تعظیم و تکریم ایشان به وسیله‌ی سخنران بجا و بلکه لازم است. کوتاهی کردن در این امر مصداق بی‌احترامی و بی‌اعتنایی به ایشان می‌باشد.

این چهار انگیزه را مرحوم صاحب مکیال المکارم به مناسبت بحثی که درباره‌ی «تواضع» داشته‌اند، طرح کرده‌اند. ما می‌توانیم یک انگیزه‌ی دیگر را به اینها اضافه کنیم:

۵- پاسخ به التماس دعا: گاهی انگیزه‌ی انسان برای دعا در حقّ دیگری التماس



دعای او به انسان است. وقتی مؤمنی از انسان می‌خواهد که برایش دعا کند، وظیفه‌ی برادری ایمانی حکم می‌کند که به درخواست او پاسخ مثبت داده شود. لذا اگر هیچ‌یک از انگیزه‌های قبلی هم نباشد، التماس دعای شخص برای اینکه دیگران دعایش کنند، کافی است.

این پنج انگیزه ممکن است به تنهایی یا با هم، مؤثر در دعای انسان باشند. گاهی فقط یکی از آنها هست و گاهی بیشتر. مثلاً اگر فرزندی به پدر یا مادرش احسان نماید، دعای آنها در حق او هم به انگیزه‌ی اوّل است و هم دوم. هم از روی شفقت و رحمت است و هم تلافی کردن احسان. اگر فرزند به والدین خود التماس دعا گفته باشد، انگیزه‌ی پنجم هم در دعای آنها مؤثر خواهد بود. به همین ترتیب ممکن است دو انگیزه‌ی دیگر هم در همین مورد وجود داشته باشد و به این ترتیب جمع بین همه‌ی آنها یا برخی از آنها در یک مورد خاص امکان‌پذیر است. البتّه ناگفته نماند که ما دلیلی برای منحصر کردن انگیزه‌های دعا در این پنج عنوان نداریم. ممکن است برخی انگیزه‌های دیگر هم در دعای انسان مؤثر باشد ولی شاید بتوان گفت که مهم‌ترین انگیزه‌های دعاها همین‌ها هستند. حال که اهمّ این انگیزه‌ها بیان شد، باید ببینیم کدام یک از آنها بر دعای انسان در حقّ امام زمانش تطبیق می‌نماید.

۱ - دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام

اوّلین انگیزه، شفقت و رحمت دعاکننده است که در مورد دعا در حقّ امام زمان علیه السلام هم مصداق پیدا می‌کند. به تعبیر مؤلف کتاب مکیال المکارم همه‌ی موجبات رحمت و شفقت نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وجود مقدّس ایشان جمع شده است. آنگاه برخی از آنها را که هر کدام می‌تواند مستقلاًّ انگیزه‌ی دعا برای ایشان باشد، را ذکر می‌فرماید که مجموع آنها دوازده عنوان می‌شود:

۱ - پدر حقیقی بودن برای اهل ایمان: انسان برای پدرش از سر شفقت و رحمت دعای خیر می‌کند. اگر پدری خود اهل دلسوزی و شفقت بر فرزندان باشد، این انگیزه برای فرزند قوی‌تر و شدیدتر می‌شود. به فرموده‌ی امام هشتم علیه السلام وجود مقدّس امام



زمان علیه السلام «الوالد الشقیق»^۱ برای همه‌ی اهل ایمان هستند. پس این انگیزه در خصوص دعای مؤمنان برای پدر حقیقی خود، بسیار قوی و عمیق است.

۲ - برادر واقعی بودن برای اهل ایمان: هر انسانی هر چند بی ایمان به طور طبیعی و فطری برای برادرش از سر شفقت و رحمت دعای خیر می نماید. حال اگر برادری، دلسوز برادر باشد و پشتیبان و حمایت کننده‌ی از او، این انگیزه برای دعا در حق او پررنگ تر خواهد شد. امام رضا علیه السلام در ادامه‌ی فرمایش خود که امام علیه السلام را معرفی می کند، فرموده اند: «و الأخ الشقیق»^۲. «شقیق» یعنی نصف شده و منظور برادری است که گوی نیمه‌ی دیگر برادرش است. دو برادری که چنان به فکریکدیگر و دلسوز هم هستند که هیچ‌گاه چیزی را منحصرأً برای خود نمی خواهند، بلکه در همه‌ی امور مساوی اند؛ گوی دو نیمه از یک چیز هستند. آری امام عصر علیه السلام چنین برادری برای اهل ایمان هستند، پس جا دارد که مؤمنان برای ایشان از روی شفقت و رحمت به صورت جدی دعا نمایند.

۳ - غربت و کم بودن یاران: اگر کسی غریب و بی کس باشد و چنانچه شایسته‌ی اوست، مورد توجه و مراجعه و یاد کردن و ... قرار نگیرد، انسان در حقتش دلسوزی و ترحم می کند و برایش دعا می نماید. به نظر می رسد که اگر به معانی «غربت» آگاه باشیم، کسی را در روی زمین غریب تر از امام زمانمان پیدا نمی کنیم.^۳

۴ - غیبت و دوری از دوستان و سرزمین: امام عصر علیه السلام در زمان غیبت از جمع دوستان و سرزمین مورد علاقه‌ی خود دور هستند. کسی که جایگاهش در همه‌ی عالم منحصر به فرد است، از اینکه در میان دوستان خود حاضر باشد و چون دیگران در خانه و سرزمین محبوب خویش آشکارا زندگی نماید، محروم است و به خاطر رضای خداوند این عزلت و تنهایی را تحمل می فرماید. آیا این شرایط شفقت و رحمت انسان

۱. اصول کافی، کتاب الحجّه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۲. همان.

۳. معانی مختلف «غربت» و اثبات غربت امام عصر علیه السلام به همه‌ی معانی آن را می توانید در کتاب «آفتاب در غربت» مطالعه فرمایید.



را بر نمی‌انگیزد که برای چنین بزرگواری به پیشگاه الهی دعا کند؟

۵ - مظلوم بودن به خاطر غضب شدن حقوقش: حقوق امام عصر علیه السلام همچون اجداد بزرگوارشان غضب شده و ستمگران عالم، ایشان را از بسیاری از حقوقشان محروم داشته‌اند. این ویژگی هم موجب شفقت انسان بر ایشان می‌شود که دست به دعا بلند کند و از خدای مَنان یاری این بزرگ‌ترین مظلوم عالم را طلب نماید.

۶ - مظلوم بودن به علت اینکه پدر و اجداد و ارحام و نزدیکانش به شهادت رسیده و ایشان خونخواه همه‌ی آنها هستند: این جهت دیگری از مظلومیت مولا و سرور ماست که پدرانشان و نزدیکانشان توسط ظالمان به ناحق کشته شده‌اند و منتقم خون‌های همه‌ی آنها، امام زمان علیه السلام ما هستند، ولی هنوز زمان آن فرانسیده و اجازه‌ی این خونخواهی به ایشان داده نشده است. همین امر موجب دلسوزی و رقت بر حال این بزرگوار است که می‌تواند انگیزه‌ی دعا در حق ایشان باشد.

۷ - ایمان: مؤمن بودن امام زمان علیه السلام کفایت می‌کند که انسان بر حال ایشان شفقت و رحمت آورد و هر مؤمنی بر سایر اهل ایمان این حق را دارد که برایش دلسوزی کند و به فکر حال و وضع او باشند. هر چه درجه‌ی ایمانی شخص بالاتر باشد، حق او بر دیگران بیشتر خواهد بود. آیا کسی را در رتبه‌ی ایمانی امام علیه السلام سراغ داریم؟

۸ - زیادی دشمنان و ناتوانی دوستان ایشان: همه‌ی ستمگران عالم و پیروان آنها اعم از مسلمان و غیر مسلمان به خصوص کسانی که به نام اسلام و قرآن با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و شخص امام زمان علیه السلام دشمن هستند، متأسفانه همیشه تعداد زیادی داشته‌اند و در مقابل، دوستان حضرت و کسانی که با حقوق ایشان به خوبی آشنا هستند، نسبت به گروه اوّل تعدادشان بسیار کمتر بوده است. آیا حال کسی که دشمنانش زیاد و دوستانش کم و ناتوان هستند موجب شفقت و رحمت نیست؟

۹ - گرفتاری و همّ و غمّ زیاد ایشان به خاطر آنچه در زمان غیبت بر دوستان و شیعیان ایشان وارد می‌شود: از چند جهت می‌توان یقین کرد که امام زمان علیه السلام به خاطر مصیبت‌های شیعیان خود، زیاد غم و غصّه می‌خورند: یکی از جهات، ایمان ایشان



است. هر کس ایمانش بالاتر باشد، غم و غصه‌اش به خاطر وقوع معصیت بیشتر است، به خصوص اگر دوستان و پیروان خود را مبتلا به گناه ببیند. جهت دیگر، پدر بودن ایشان است که وقتی فرزندان خود را گرفتار می‌بیند، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد بلکه بیش از خود فرزند ناراحت و غمناک می‌شود. جهت دیگر، امام بودن ایشان است که خود را مسؤول هدایت و دستگیری خلق می‌داند و وقتی مشاهده می‌کند که همین خلق محتاج و گرفتار چگونه از سفینه‌ی نجات و باب هدایت الهی اعراض می‌کنند، چقدر اندوهگین می‌شود؟ و بسیاری جهات دیگر در این امر مدخلیت دارد که این جا مجال طرح آنها نیست ولی با کمال تأسّف باید بگوئیم اگر همه‌ی غم و غصه‌های اهل ایمان را که به خاطر ایمان و غیرت دینی خود متحمّل می‌شوند، روی هم بریزیم، به اندازه‌ی ناراحتی و غم مولایمان نمی‌شود. حال در نظر بگیرید که این یگانه‌ی دوران و نادره‌ی روزگار، چندین و چند سال و بلکه چندین قرن است که چنین غم‌هایی را در سینه دارد. قطعاً کمّ و کیف آن برای هیچ‌یک از ما قابل درک و تصوّر هم نیست.^۱ اما همین قدر هست که دل‌های ما را به درد آورد و رحمت و شفقت ما را برانگیزد که برای رفع این غم و غصه‌ها به پیشگاه خداوند دعا کنیم. اگر دعای ما ذره‌ای از ناراحتی‌های ایشان بکاهد، عبادت بسیار بزرگی انجام داده‌ایم.

نویسنده‌ی روسیاه این سطور واقعاً در خود احساس خجالت و شرمندگی می‌کند که مبادا اعمال و رفتارش موجب ازدیاد غم و غصه‌های امام عصر علیه السلام بوده باشد. و اگر چنین بوده است، باید ابتدا از وجود مقدّس آن عزیز به خاطر ایذاء ایشان عذر خواهی کند و با توبه‌ی واقعی خود، موجبات رفع همّ و غمّ ایشان را فراهم آورد. آنگاه از دیگران بخواهد که برای تسکین آلام و غم‌های آن سرور دعا کنند.

۱۰- طولانی بودن زمان گرفتاری ایشان: هر چه مدّت زمان گرفتاری مؤمنی بیشتر باشد، دلسوزی و رقت انسان بر حال او بیشتر می‌شود. آیا با توجه به حجم عظیم

۱. گوشه‌ای از گرفتاری‌های امام عصر علیه السلام به خاطر شیعیان‌شان را می‌توانید در کتاب «سلوک منتظران»، بخش ۲، فصل ۲ ملاحظه فرمایید.



گرفتاری‌های حضرت، کس دیگری را سراغ داریم که تا کنون نزدیک به دوازده قرن متحمل اینها بوده باشد؟

۱۱- ناشناخته بودن منزلت ایشان بین مردم و منحرف بودن آنها از مسیر آن حضرت: یکی از وجوه غربت عزیز و سرور ما این است که قدر و منزلت ایشان حتی در میان دوستانش ناشناخته مانده است. متأسفانه انحرافات عقیدتی زیادی در شناخت صحیح امام علیه السلام در میان شیعیان وجود دارد که همین انسان مؤمن را به حال شفقت و ترحم بر حال امام ناشناخته‌اش در می‌آورد.

۱۲- کوتاهی کردن مؤمنان به ایشان در پیروی و خدمتگزاری به آن حضرت: قطعاً انتظاری که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از معتقدین به خود دارند، این است که فقط در ایام نیمه‌ی شعبان به شرکت در جشن میلاد یا پخش گل و شیرینی اکتفا نکنند، بلکه باید اعمال و رفتارشان گویای اقتدا به آن حضرت باشد. متأسفانه همان درصد بسیار کمی از مسلمانان که با امام زمان خود آشنا هستند و حداقل لازم از معرفت ایشان را دارند، در عمل، بسیار بسیار از آنچه باید باشند دورند و گاهی حتی در مراسم جشن مربوط به امام زمان علیه السلام، کارهایی می‌کنند که قطعاً و یقیناً دل مقدس ایشان را به دردمی‌آورد. چه رسد به اینکه در خدمت به آن حضرت بخواهند حق ایشان را ادا نمایند. نویسنده خود را بیش از هر کس در این زمینه شرمنده و مقصّر می‌بیند و از آن مولای عزیز می‌خواهد که با بزرگواری از سر تقصیراتش بگذرد و اجازه‌ی خدمت خالصانه به محضرش را برای او و سایر دوستان خود صادر فرماید.

این دوازده عنوان را نویسنده‌ی فقیه مکیال المکارم در توضیح موجبات شفقت و رحمت بر امام عصر علیه السلام مطرح کرده و سپس افزوده‌اند که اگر کسی در احوال آن امام بزرگوار تأمل کافی کند، بسیاری جهات دیگر از همین قبیل را پیدا می‌کند که باید بر این وجوه بیفزاید. ما عرض می‌کنیم که توجه و تفرّط به این امور شایستگی و لیاقت و معرفت عمیقی لازم دارد که در میان عالمان هم به ندرت پیدا می‌شود، چه رسد به افراد جاهلی چون حقیر که اگر تذکرات امثال صاحب مکیال نبود، هرگز به این امر توجه نداشتم و حالا هم که نوشته‌هایش هست یا به آنها مراجعه نمی‌کنم و یا اگر هم



می خوانم و می فهمم، چنان که باید حَقِّش را ادا نمی‌کنم. خداوند می‌تواند با کسانی همچون مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی (نویسنده‌ی مکیال المکارم) بر ما احتجاج نماید و راه هرگونه عذر آوردن در تقصیر را بر ما ببندد.

در پایان این قسمت فرموده‌اند که اگر مؤمنی با هر یک از این انگیزه‌ها، برای امامش با اخلاص دعا کند، فوایدی که در هر یک از این دوازده عنوان اشاره شد را درک خواهد کرد. مثلاً اگر به انگیزه‌ی جهت اول (پدر حقیقی بودن امام زمان علیه السلام) برای ایشان دعا کند، ثواب نیکی کردن به پدر را می‌برد. اگر جهت دوم (برادر واقعی بودن امام علیه السلام) انگیزه‌ی دعا را در او به وجود آورد، ثواب رعایت حق برادر را در راه خدا می‌برد و همچنین ثواب یاری رساندن به غریب و مظلوم و نصرت مؤمن واقعی و رفع گرفتاری از گرفتار و غمگین و ...

تذکر این نکته هم لازم است که دعا به انگیزه‌ی هر کدام از این وجوه، فواید و آثار ارزنده‌ی زیادی دارد و اگر همه‌ی اینها با هم جمع شوند، برکات فوق العاده‌ای خواهند داشت که قلم، توان بیان آنها را ندارد؛ فقط باید از خدا خواست که معرفت شایسته برای ایجاد همه‌ی این انگیزه‌ها را به انسان عنایت کند که در این صورت حال و هوا و فکر و ذکر انسان در همه‌ی لحظات زندگی اش بوی امام زمان علیه السلام را می‌گیرد. رزقنا الله بفضله و کرمه.

۲ - دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان

دومین انگیزه‌ی دعا در حق دیگری، تلافی کردن احسان او به دعاکننده است. از این جهت هم می‌توان ضرورت دعا برای امام عصر علیه السلام را اثبات نمود. در این بحث هم از تذکرات سازنده و ارزشمند صاحب کتاب مکیال المکارم استفاده می‌کنیم. اولین تذکر این است که بدانیم همه‌ی نعمت‌هایی که در اختیارمان بوده، هست و خواهد بود، به وساطت و برکت وجود آن امام همام علیه السلام است.^۱ علاوه بر این ایشان انواع و اقسام احسان‌ها را در حق ما انجام می‌دهند. یکی از مصادیق آن، دعایی است که در حق

۱. توضیح این مطلب را می‌توانید در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم مطالعه فرمایید.



دوستان خود می‌کنند. خود ایشان در ضمن توقیعی که به مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - مرقوم فرموده‌اند، چنین آورده‌اند:

... يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ،
لِأَنَّنا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالْدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَ
السَّمَاءِ فَلْيَطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَاءِنَا الْقُلُوبِ.^۱

... (آن منافق) با نیرنگ خود اهل ایمان را قصد می‌کند ولی به هدفش که ظلم و تجاوز است نمی‌رسد، زیرا ما در پی محافظت از آنانیم با دعایی که از پادشاه زمین و آسمان پوشیده نمی‌ماند، پس دل‌های دوستان ما بر این امر مطمئن باشد.

ایشان در نامه‌ی خود به جناب شیخ مفید از منافق پلیدی سخن گفته‌اند که از راه مکر و نیرنگ خواسته است که اهل ایمان را مورد ظلم و تجاوز خویش قرار دهد ولی امام علیه السلام اطمینان داده‌اند که او به هدفش نمی‌رسد و علت ناکامی او را دعای خود در حق مؤمنان دانسته‌اند. همان دعایی که از خداوندگار آسمان و زمین پوشیده نمی‌ماند و قطعاً به هدف اجابت می‌رسد و سپس تأکید فرموده‌اند که مؤمنان باید به این امر اطمینان کامل داشته باشند.

حقیقتاً اگر دعا‌های خیر آن عزیز غایب از نظر نبود، مؤمنان مورد تجاوز انواع دشمنان اعم از انس و جن قرار گرفته و نمی‌توانستند در دین و دنیای خود در عافیت به سر برند. البته این سخن معنایش این نیست که هیچ درد و بلا و مصیبتی گریبان‌گیر هیچ مؤمنی در هیچ زمانی نمی‌شود. این ادعا قطعاً صحیح نیست و ما هم چنین ادعایی نداریم. سنت خدای متعال بر امتحان و ابتلای خلایق است به خصوص اهل ایمان که مطابق قرآن و احادیث بیشتر از هر کس مورد بلا و آزمایش الهی قرار می‌گیرند. این‌جا سخن در این است که اگر می‌بینیم بحمد الله مؤمنانی هستند که با وجود اینکه ناشکری و معصیت در بین ایشان کم نیست، می‌توانند ایمان و معرفت خود را حفظ کنند و به

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.



طور نسبی در امنیّت و عافیت خوبی به سر ببرند، همین نعمت را به برکت دعاهای حضرت ولّی عصر علیه السلام دارا هستند و گرنه، اگر قرار بود اهل ایمان به تناسب کوتاهی‌های خود، به گرفتاری و مصیبت مبتلا می‌شدند، آن وقت درصد زیادی از ایشان به بدبختی و فلاکت و بیچارگی دینی و دنیوی دچار می‌شدند. این عبارت از سخنان خود امام زمان علیه السلام است که در یکی از توقیعات شریف خود فرموده‌اند:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
اللَّأْوَاءُ أَوْ اضْطَلَّكُمْ الْأَعْدَاءُ.^۱

همانا ما در محافظت و توجّه به شما اهمال نمی‌کنیم و یاد (کردن) شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر سر شما فرو می‌آمد یا دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند.

این جا به طور کلی فرموده‌اند که اگر مراقبت و محافظت و توجّه این پدر عزیز امت نبود، یا شیعیان به سختی‌های بزرگ گرفتار می‌شدند و یا دشمنان ریشه‌ی آنها بر می‌کنند. آری همین قدر امنیّت و سلامت و عافیت که برای شیعیان در زمان غیبت آقایشان در سطح دنیا وجود دارد، به برکت عنایات و توجّهات مولایشان می‌باشد. پس به امر خود آقا و امام علیه السلام باید مطمئن باشیم که دعاهای مستجاب ایشان بدرقه‌ی راهمان هست و این تنهایی‌کی از احسان‌های آن عزیز در حقّ دوستانشان است.

یکی دیگر از مصادیق احسان ایشان، «حلم» آن حضرت نسبت به مؤمنان است. ما با خطاها و گناهان خود، اینقدر بی‌معرفتی و ناشکری می‌کنیم که جا دارد امام علیه السلام با ما قهر و بی‌اعتنایی کنند؛ اما حلم و بردباری می‌ورزند و باز هم ما را تحویل می‌گیرند و از خودشان طردمان نمی‌کنند.

احسان دیگر آن بزرگوار، افاضات علمی به مؤمنان است. هم نعمت‌های مادّی و هم معنوی افاضه‌ی امام علیه السلام بر ماست و یکی از بزرگترین این نعمت‌ها، الطاف علمی ایشان است. باید یقین داشته باشیم که اگر علوم و معارف الهی و صحیحی به ما می‌رسد،

۱. همان، ص ۳۲۳.



لطف امام عصر علیه السلام در حق ماست که جد شریفشان حضرت زین العابدین علیه السلام در تشریح این مطلب به ابو حمزه فرمودند:

... إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِينَا يُجْرِيهَا^۱.

... همانا خداوند در آن وقت (بین الطلوعین) روزی‌های بندگان را تقسیم می‌کند و آنها را به دست ما جاری می‌سازد.

روزی‌هایی که به دست امام علیه السلام جاری می‌شود، هم مادی است و هم معنوی و علوم و معارف نیز یکی از همین روزی‌هاست.

از دیگر مصادیق احسان امام علیه السلام به ما، شفاعت ایشان در حق ماست. این شفاعت فقط در قیامت نیست بلکه در دنیا هم وجود دارد و ما ایشان را برای حوائج مادی و معنوی خود واسطه قرار می‌دهیم و به وساطت ایشان حاجت‌هایمان برآورده می‌شود. این پنج مصداق احسان حضرت به ما (دعا، دفع دشمنان، حلم، افاضات علمی و شفاعت) فقط از باب نمونه ذکر شد و گرنه به تعبیر نویسنده‌ی کتاب مکیال المکارم، زبان از بیان همه‌ی احسان‌های ایشان عاجز و قلم از نوشتن آن قاصر می‌باشد. پس از تذکر این الطاف باید به این دو آیه‌ی کریمه‌ی قرآن توجه کنیم که:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ^۲.

آیا احسان جز با احسان تلافی می‌شود؟ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟!

در کتاب مکیال المکارم پس از ذکر این آیات شریفه، تذکرات بجایی آمده است که ما ترجمه‌ی آن را عیناً نقل می‌کنیم:

پس ای کسی که قدرت تلافی کردن نعمت‌های مولایت را - که آنچه آرزویت بوده به تو احسان فرموده - نداری، آیا قدرت این را هم نداری که لحظاتی از ساعات شب یا روزت را - که بدون اختیار تو می‌گذرد - به دعا برای

۱. بصائر الدرجات، جزء ۷، باب ۱۴، ح ۹.

۲. الزحمن / ۶۰ و ۶۱.



صاحب‌الزمان علیه السلام اختصاص بدهی؟ به همان کسی که انواع نعمت‌ها را عطایت کرده و به صورت‌های مختلفی که قابل شمارش و توصیف نیست، احسانت نموده است. بلکه در تمام عمرت آنچه به دست می‌آوری، نعمتی است از نعمت‌های خداوند که به واسطه‌ی ایشان به تو داده است.

این عبارات نشانگر کمال توجه و قدرشناسی نویسنده‌ی آن است که این‌طور دلسوزانه فرد غافل از امام عصر علیه السلام را خطاب می‌کند و به او توجه می‌دهد که بدان: اولاً توان تلافی کردن احسان‌های امامت را نداری، ثانیاً فراموش نشود که روزی تمنا می‌کردی که جزء دوستان و دلسوختگان آن حضرت باشی و در زمره‌ی دلدادگان به ایشان قرارگیری، حال بین که به لطف و عنایت خود آن بزرگوار لذت محبت و انس با ایشان را حس کرده‌ای و اگر قدر نعمت بدانی، معرفت و محبت ایشان را با هیچ‌یک از نعمت‌های دنیوی تعویض نمی‌کنی. آیا این کم نعمتی است که همه‌ی آرزویت پذیرفته شدن خدمتگزاریت در درگاه ایشان است؟ آیا در خود لیاقت این همه نعمت را می‌دیدی؟ آیا عقلت به این‌گونه الطاف معنوی که اکنون نصیبت شده، می‌رسید؟ اینها و امثال اینها همه و همه به برکت مولایت به تو عطا شده است، آیا تلافی احسان‌های آن بزرگوار اقتضا نمی‌کند که در شبانه روز لحظاتی را به دعا کردن در حق این ولی نعمت‌های اختصاص دهی؟ آیا این مقدار قدرشناسی هم در وجودت نیست؟ این جاست که آن عارف واقعی به امام علیه السلام، از این همه ناسپاسی دوستانش به ستوه می‌آید و بر من غافل نهیب می‌زند و می‌فرماید:

پس چقدر جفاکاری! باز هم چقدر جفاکاری! اگر قلبت از آنچه به گوشت رساندیم، تکان نخورد و زبانت برای دعا در حق مولایت به حرکت در نیامد! از خواب لهو (سرگرمی) بیدار شو و بایست و آرزوهای طولانی واهی را از مقابل دیدگانت دور کن و بدان که پیشوا (آنکه جلوتر می‌رود) به اهل خود دروغ نمی‌گوید و وظیفه‌ی ما جز ابلاغ نیست.^۱

سفارشات مهمی است از زبان کسی که به قول خودش جلو می‌رود و خاضعانه

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۱.



می‌گوید: آنکه پیشاپیش می‌رود، به اهل خود دروغ نمی‌گوید. یعنی آنها که خالصانه این نصیحت‌ها را می‌کنند، جز خیر اهل خود را نمی‌خواهند. ما هم باید باور کنیم که آنها که راه را بلد هستند به ما دروغ نمی‌گویند و صادقانه سخن می‌گویند.

۳- دعا در حق امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان

یکی از انگیزه‌های دعا در حق دیگری این است که به این وسیله توجه و احسان او را به سوی خود جلب کنیم. مثالی که برای این نوع دعا بیان شد، فقیری است که به خاطر جلب صدقه‌ی دیگری در حقیقت دعا می‌کند. واقعیت این است که ما نسبت به امام عصر علیه السلام از هر گدایی محتاج‌تر هستیم. بنابراین کسی که ذره‌ای از الطاف بیکران حضرت را به دوستانش چشیده باشد، دیگر در خانه‌ی ایشان را رها نمی‌کند و با هر وسیله‌ای از جمله دعا در حق ایشان، خواهان جلب توجه و تصدق ایشان می‌گردد. نکته‌ی لطیفی را مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در این باب تذکر داده‌اند که شنیدنی است. می‌فرمایند:

دعای ما در حق امام عصر علیه السلام از باب هدیه‌ای است که یک شخص فقیر فقیر به یک پادشاه بزرگ گرانقدر تقدیم می‌کند و بدون شک این کار نشانگر نیاز این فقیر به عطا و پاداش آن سلطان بزرگ است و این عادت است که بردگان نسبت به ارباب خود و هر فرد دانی نسبت به عالی دارد.^۱

در مقام تمثیل می‌توانیم موری را ذکر کنیم که در روز عید، ران ملخی را به حضرت سلیمان علیه السلام تقدیم کرد، سپس چون خودش می‌دانست که هدیه‌اش در مقایسه با سایر هدایای بی‌ارزش است، این عبارت را بر لب زمزمه می‌کرد:

إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارٍ مُّهِدِيهَا.^۲

همانا هدیه‌ها به قدر و منزلت هدیه‌کننده‌اش بستگی دارد.

۱. همان، ص ۲۹۹.

۲. همان.

